

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال چهارم، شماره دوازدهم، پاییز ۱۳۹۱

(صص ۱۰۸-۹۷)

دکتر زرینه خان*

دانشیار بخش فارسی دانشگاه اسلامی علیگرهند

فرشته حیدری**

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه سیستان و بلوچستان

معرفی آگره / اکبرآباد بر پایه‌ی تذکره‌ها و تاریخ

چکیده

آگره / اکبرآباد، سومین شهر بزرگ در ایالت اوتار پرادش در کشور هندوستان است. این شهر در کنار رودخانه‌ی جمنا قرار گرفته است. نام آگره به شکل «آگره‌بانا» نخستین بار در کتاب حماسی مهابهاراتا آمده و معنانشناسان آن را پردیس یا بهشت معرفی کرده‌اند. آگره در زمان حکومت اکبرشاه، جهان‌گیرشاه و شاه‌جهان، اهمیت زیادی یافت. این شهر، پایتخت حکومت اکبرشاه، پادشاه بزرگ امپراتوری مغولی هند یا گورکانیان بوده و در آن زمان، تبدیل به مرکز هنر، فرهنگ، تجارت و یادگیری کشور پهناور هندوستان گردیده؛ از این رو در گذشته این شهر را اکبرآباد می‌نامیدند.

مقاله‌ی حاضر، کوششی است برای شناساندن شهر آگره / اکبرآباد از نظر تاریخی، سیاسی و فرهنگی به روایت تذکره‌ها و تاریخ.

کلیدواژه‌ها: آگره، اکبرشاه، ممتازمحل، تذکره.

*Email:zarineh2010@gmail.com

**Email:fhaydari@hamoon.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۱/۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۱۲

مقدمه

این شهر میراثی کهن دارد. هرگاه به تاریخ زبان، ادبیات و آثار تاریخی و سیاسی هندوستان در عهد مغول و پیش از آن، نظر افکنیم، امکان ندارد که در آن ذکر ولایت آگره / اکبرآباد، مذکور نباشد؛ علت آن این است که شهر قدیمی و نام‌آور آگره در گذشته اهمیت خاصی داشته؛ نه تنها از حیث فراز و نشیب سیاسی بلکه معدن علم و هنر هم شمرده می‌شده است.

در زمان لودهیان برای اولین بار، این شهر مورد توجه قرار گرفت. آنان در جهت آبادانی آگره کوشیدند، ولی در عهد مغول مخصوصاً در زمان پادشاهی جلال‌الدین محمد اکبر، از حیث فرهنگ و زبان فارسی دست‌خوش تغییراتی شد. آن زمان، تنها سرزمین آگره بود که در حفظ تشخص و زبان و ادبیات فارسی وظیفه‌ی خود را آن چنان که شایسته بود، انجام می‌داد. پس از آن، جهانگیر، شاه‌جهان و اورنگ‌زیب عالمگیر نیز این راه را ادامه دادند و سعی کردند که علماء و ادبا و شعرای زبان فارسی را تشویق نمایند. نقش خاندان مغول نیز در حفظ زبان و ادبیات فارسی، حائز اهمیت است.

مقاله‌ی حاضر، سیمای آگره را ابتدا در تذکره‌ی هفت اقلیم امین‌احمد رازی بررسی نموده و سپس، نمود این شهر را در جهانگیرنامه تألیف نورالدین محمد جهانگیر شاه کاویده آن‌گاه گفته‌های عبدالحمید لاهوری را در پادشاه‌نامه پیرامون شهر یاد شده آورده و پس از آن به جایگاه آگره در شاه‌جهان‌نامه معروف به عمل صالح تألیف محمد صالح کنبو، خلاصه‌التواریخ اثر سبحان‌رائی بهنداری و حدیقه‌الاقالیم نگاشته به قلم مرتضی‌حسین بلگرامی، پرداخته شده است.

قلعه‌ی آگره

مؤلف تذکره‌ی هفت اقلیم درباره‌ی ذکر آگره در اقلیم‌الثالث این گونه می‌نویسد: «آگره در زمان باستان، شهری، با نام و نشان بوده و قلعه‌ای در غایت حصانت و محکمی داشت»

(رازی، بی تا: ۴۹۳) وی به نقل از شاعر معروف عهد غزنوی و سلجوقی، مسعود سعد سلمان، ابیات زیر را در توصیف حصار آگره آورده است:

به فرخی ملک عصر سیف دولت و دین	خدایگان جهان خسرو صفار و کبار
برای نصرت اسلام راز دارالملک	به بوم هند در آورد لشکر جرار
چو چرخ کینه کش و چون زمانه باقوت	چو بحر طوفان فعل و چون آب رصاعه بار
همی گذشت حصار و همی نوشت زمین	گهش مقام بیشه، گهش نزول به غار
حصار آگره پیدا شد از میانه گرد	بسان کوه برو بارهای چون کهسار

(رازی، بی تا: ۴۹۳)

از این ابیات ثابت می شود که قلعه‌ی آگره پیش از قرن پنجم، وجود داشته است. مسعود سعد سلمان ممکن است که به همراه پسر سلطان ابراهیم غزنوی، سیف الدوله، به هندوستان آمده باشد. چون ابراهیم غزنوی (۴۹۲-۴۵۱ هـ. ق.) به پسر خود، سیف الدوله حکومت هند را تفویض نمود، مسعود سعد به دربار او آمد. پس، ممکن است که مسعود سعد سلمان قلعه‌ی محکم و استوار آگره را به نظر دقیق دیده و در ابیات خود توصیف کرده باشد.

مؤلف هفت‌اقلیم در ستایش این قلعه می‌نویسد: «قلعه‌ای است که شبیه آن هیچ دیده ندیده و عدیل آن هیچ گوشی نشنیده و این عمارت رفیع منزلت، در عرض چهار سال، به مبلغ هفت کرور تنکه که سی و پنج لک روپیه باشد، صورت اتمام پذیرفته ... و به این استحکام، نهایت لطافت و صفا را دارد و در توصیف قلعه رطب‌اللسان است

نداند کسی چون ستاید همی برو چشم را چون گشاید همی»

(رازی، بی تا: ۴۹۳)

جهانگیرنامه بهترین نمونه‌ی انشاپردازی و تاریخ نویسی است. در این کتاب مؤلف، احوال زندگی خویش، آئین جهان‌بانی و جهان‌داری و جهان‌گشایی را ارائه داده است. جهانگیر درباره‌ی قلعه‌ی آگره می‌نویسد: «شهر، قلعه‌ای قدیمی و کهنه بر کنار دریای جمنه داشت پدر بزرگوارش پیش از تولد او، آن را انداخته و از سنگ سرخ تراشیده، بنای قلعه‌ی

نو نهادند که روندهای عالم، مثل آن قلعه دیگر نشان نمی‌دهند و در عرض پانزده شانزده سال به اتمام رسید» (جهان‌گیر، ۲۰۰۷: ۲-۱)

این قلعه در عرض چهار سال به اتمام رسید و در تذکره‌ی «حدیقه‌الاقالیم» نوشته شده است که ساخت قلعه در چهار سال اتمام پذیرفت. در تاریخ «پادشاه‌نامه» آمده است که به حکم پادشاه‌اکبر، قلعه‌ی پیشین که بر ساحل جمنه ایستاده بود منهدم کردند و به جای آن در ۹۷۲ هـ.ق، معماران کارپرداز و مهندسانی که در فن خویش ماهر بودند، قلعه‌ای مستحکم و عالی را بنیاد نهادند. پس از هشت سال یعنی در سال ۹۸۰ هـ.ق ساخت آن عمارات قلعه که بلندی آن به آسمان می‌رسید، تمام شد. عمارت قلعه چهار دروازه دارد که هر یک سر به فلک کشیده است. در ساخت قلعه، سنگ سرخ تراشیده را چنان به هم وصل کرده‌اند که دیده‌ی باریک‌بین به درز آن، پی نبرد. در آن حصار فلک‌سار منازل عالیه برای نشیمن خاص از سنگ سرخ که مانند آئینه‌ی سکندری صیقلی و براق است، وجود دارد. در ساخت این منازل تقریباً یک تا پنج لک روپیه خرج شده و آبادی دور آن دو گروه است. درباره‌ی هزینه‌ی احتمالی ساخت قلعه، بیشتر تذکره نویسان و تاریخ‌نویسان بر مبلغ سی و پنج لک روپیه معادل هفت کرور تنکه متفق‌اند. (رازی، بی‌تا: ۴۹۴؛ جهانگیر، ۲۰۰۷: ۲-۱؛ بلگرامی، ۱۸۷۹: ۱۶۲ و بهنداری کهرتی، ۱۹۱۴: ۳۹)

درباره‌ی نام آگره/ اکبرآباد و آبادانی آن مؤلف هفت اقلیم به نقل از طبقات اکبری می‌نویسد: "شهر آگره ابتدا از مضافات بیانه بوده و سکندر لوده‌ی اول کسی [است] که برای آبادانی این شهر سعی و فوور نمود و پس از او شیرخان لوده‌ی و سلیم‌خان لوده‌ی کوشش بسیار برای آبادانی مقدم گردانیدند و این شهر در زمان لوده‌یان آباد گشت و لکن در زمان ابدپیمان حضرت شاهنشاهی اکبر پادشاه، رونق و رواج تمام یافت و چندان عمارات ارم سیما و باغات روح‌افزا به حصول پیوست که خامه از تحریر آن، عاجزاست." (رازی، بی‌تا: ۴۹۲)

در تزک جهانگیری، آمده است: "هر دو جانب دریای جمنه، آبادانی واقع است؛ جانب غرب، کثرت آبادی بیشتر دارد و دور آن هفت گروه است. انبوهی مردم به حدی است که در کوچه و بازار به دستوری تردد توان نمود. شرقی آن، ولایت قنوج، غربی، ناگور و در

شمال، سنبهل و در جنوب، چندیری است. ... منبع دریای جمنه، کوه کالند است که مردم را از شدت سردی، عبور در آنجا ممکن نیست. این کوه، قریب پر گنهی خضر آباد است." (جهانگیر، ۲۰۰۷: ۲)

ولایت بهار و بنگال در شرق آن واقع است، اجمیر و تته در غرب آن، دهلی و پنجاب و کابل در شمال آن و مالوه در جنوب آن قرار دارد و دریای جون از میان شهر می‌گذرد. (لاهوری، ۱۸۶۷: ۲) در پادشاهنامه ی لاهوری اکبرآباد با بغداد چنین مقایسه شده است که دور دارالسلام بغداد چنانکه در ظفرنامه ی ملاشرف الدین علی یزدی آمده قریب دو فرسخ است که حدود شش گروه می شود و دور معموره ی دارالخلافه ی اکبرآباد از هرجانب دریای جون، ده گروه است که در مجموع قریب بیست گروه می شود و از این نظراز بغداد بسیار وسیع تر است. (همان: ۲)

همچنین در مورد نام این شهر چنین آورده است: "حضرت عرش‌آشیانی اکبرپادشاه، پنجاه و یک سال و دو ماه با استقلال و جمیعت بر تخت کامرانی، متمکن بوده، اکثر اشیاء را به اسامی جدیده موسوم گردانیدند؛ این شهر با آن که نام قدیمش از حسن لفظ و معنی عاری بود، با اکبرآباد موسوم نساختند و این نام نامی همچنان در پرده ی غیب مخفی و محتجب بود. حضرت صاحب‌قران ثانی، شاه‌جهان پادشاه، روز جلوس عالم‌آرای این مستقر، اعلام رفعت و جلال را اکبرآباد نام نهادند. اکنون به همین نام گرامی بر زبان خاص و عام مذکور است و در دفاتر مذکور" (همان: ۲)

در زمان پادشاهی اکبر، شهر آگره، بسیار رونق داشته؛ زیرا که در وسط هندوستان واقع شده و بی‌همتا بوده است. وی در این جا قلعه ای سنگین و استوار بنا کرد و آنرا اکبرآباد نامید. به این ترتیب بر رونق و آبادی شهر آگره افزوده شد به طوری که کمتر شهری به پای آن می رسید. این شهر یکی از گذرگاه های دریای جمنه است و این رود تا چهار گروه از وسط شهر می‌گذرد و هر دو طرف آن دریا، عمارات عالی و کاخ‌های بلند و دلنشین، بنا شده است. در قرب و جوار این شهر، اکثر مزارات اولیاء کرام و فضلالی عظام، واقع‌اند.

مقبره‌ی جلال‌الدین اکبر پادشاه و شاه‌جهان هم تقریباً نزدیک به هم در آن واقعند. (بهنداری کهنتری، ۱۹۱۴: ۳۹)

آگره، نام دهی بوده از توابع پرگنه‌ی بیانه. اول کسی که برای آبادی آن سعی نمود، سکندر لوده‌ی بود. او آگره را به عنوان پایتخت خود برگزید و این شهر به نام بادل‌گره مشهور گشت. بعد از او، شیرشاه و پسرش سلیم‌شاه افغان‌سور نیز در زمان سلطنت خویش برای آبادانی این شهر کوشیدند اما در عهد پادشاه‌اکبر رونق این شهر، به اوج کمال خود رسید. اکبر شاه از این نظر که آگره در وسط هند واقع بود، آنرا دارالخلافه گردانید و به نام اکبرآباد موسوم ساخت. (بلگرامی، ۱۸۷۹: ۱۶۲)

آب و هوا، مردمان و صنعت:

سرزمین آگره، سرسبز و شاداب و خوش آب و هوا است مؤلف هفت اقلیم می‌نویسد: از صفات آگره، یکی آن است که دریای جون از میان شهر جریان می‌یابد و هر دو طرف آن، حدائق و سراپستان و عمارات ساخته شده که هر یک چون روضه‌ی رضوان، دل‌گشا و مانند عرصه‌ی فردوس، جان‌افزاست (رازی، بی تا: ۴۹۳) اما بعضی از نویسندگان نظری مخالف سخن تذکره‌ی هفت اقلیم دارند که ممکن است به صواب نزدیکتر باشد:

آب و هوای آگره گرم و خشک است چنان‌که اطباء بر آن متفق‌اند که [این] آب و هوا، روح، را به تحلیل می‌برد و ضعف می‌آرد و اکثر طباع را، ناسازگار است، مگر بلغمی و سودائی مزاجان را که از ضرر آن ایمن‌اند و از این جهت حیواناتی که این مزاج و طبیعت را دارند مثل فیل و گاو میش و غیره در این آب و هوا، خوب می‌شوند (جهانگیر، ۲۰۰۷: ۲)

"حضرت فردوس مکانی بابر پادشاه، بعد از شکست دادن ابراهیم، ولد سکندر لوده‌ی و کشته شدن او و فتح راناسانگا که کلاترریس راجها و زمین‌داران ولایت هندوستان بود، بر طرف مشرقی آب جمنا، زمینی خوش کرده، چار باغ احداث فرمودند. کمتر مانند این باغ به نظر آید. نام این باغ، گل‌افشان فرمودند و عمارت کوچک، از سنگ سرخ تراشیده ساخته‌اند و بر یک جانب باغ مسجد، تعمیر کرد و در خاطر داشتند که عمارت عالی بسازند ولکن عمر وفا نکرد و از قوه به فعل نیامد. میوه‌ها مانند انبه و خربزه و دیگر در

آگره و نواحی آن، خوب می‌شود. گل‌های معروف معطر که در باغ گل‌افشان شکفتند، در هیچ جای عالم، نام و نشان آن نیست؛ مانند گل چنپه [که] بوی خوش و لطافت دارد؛ گل کیوره که خوشبویی او تیز و تند به درجه‌ای است که از بوی مشک کمتر نیست و گل یاسمن سفید مولسری که درخت آن بسیار خوش-اندام و موزون و سایه‌دار است و بوی گل آن در نهایت ملاین است. دیگر گل‌ها مانند سیوتی، رنگ زرد دارد و از گل چنیلی، روغن‌های خوشبومی‌سازند و از درختان صنوبر، سرو، چنار و سپیدار و بید موله که هرگز در هندوستان تصور نمی‌کردند به عمل بیاید، به هم رسیده و بسیار شده و درخت صندل خامه‌ی جزائر بود که در باغات نشوونما یافته ساکنان آگره در کسب هنر و طلب علم، سعی بلوغ دارند و طوایف مختلف از هر دین و مذهب، سکونت در این بلده اختیار کرده‌اند." (همان: ۲)

مؤلف در سراسر تزک جهانگیری، نام آگره را اکبرآباد نوشته است. از این مطلب بر می‌آید که نام اکبر-آباد در عهد جهانگیر، مشهور و متداول نبوده و نام آگره، بیشتر مستعمل بوده است. مؤلف شاه جهان نامه، می‌نویسد: مردمان هر دیار و کشوری به این شهر می‌آیند و مال و اسباب هر ولایتی، در این جا مورد معامله قرار می‌گیرد. به همین دلیل، شهر بسیار پر رونق شده و مورد توجه قرار گرفته و به ممتازآباد موسوم شده است. (کنبوه، ۱۹۵۸: ۲۹۴-۲۹۰)

به نظر مرتضی حسین بلگرامی مردمان این شهر در کار زردوزی، بسیار ماهر بودند و بر پارچه‌ها، آثار نیکی نقش می‌کردند. معروف‌ترین دستاورد این شهر، گلابتون‌کاری و تولید گلاب و عطر بوده است. خریزه‌های شیرین و خوشمزه و فراهم آوردن برگ تنبول هم از محصولات این ناحیه است. آب و هوای این شهر، روح پرور و مایه‌ی سلامتی است مزارات اغلب اولیا، در این جا واقع است؛ مانند مقبره‌ی اکبر - پادشاه و نیره‌اش شاه جهان پادشاه، که چسبیده به این شهر در موضع سکندره واقع است و در بنای آن مقبره، بیست لک روپیه صرف شده و در بیست سال ساخته شده است. (بلگرامی، ۱۸۷۹: ۱۶۲)

مشاهیر آگره

سرزمین آگره، نه تنها از لحاظ کشاورزی بلکه از لحاظ نشوونمای فکر و دانش نیز حاصل‌خیز است. چنان‌که عده‌ی زیادی از دانشمندان و صاحب نظران حکمت، فلسفه،

تصوف، نویسندگی و شاعری از این سرزمین برخاسته‌اند و شهرت و مقبولیت آنان به تمام دنیا رسیده است. صاحب هفت اقلیم پیرامون یکی از آنان می‌نویسد:

"شیخ ابوالفضل، خلف‌الصدق شیخ مبارک است که در سلک علمای وقت انتظام داشته. اگرچه شیخ مبارک ناگوری‌الاصل است اما چون قطع تعلق از آن شهر و مکان کرده، در آگره سکونت گرفته و مسقط‌الرأس شیخ ابوالفضل، آگره است. بی‌شایبه‌ی تکلف و سخن‌وری و غایله‌ی تصلف و مدح‌گستری، امروز در عقل و فهم نظیر و عدیل ندارد و با آن‌که همواره در خدمت حضرت شاهنشاهی چون عرض به جوهر قایم است، اگر ساعتی فرصتی می‌یابد، اوقات را به تحصیل سخنان فضلا و تحقیق مطالب حکما، مصروف می‌دارد و در انشا، ید بیضا دارد." (رازی: ۴۹۲)

درباره‌ی یکی دیگر از این مشاهیر چنین آورده‌اند: "شیخ ابوالفیض فیضی نیز شجر شیخ مبارک است. در جاه، معیت علوم و لطف شعر و حسن مقال، عدیم‌المثال است و در حدت طبع، و کثرت فهم و دقت خیال، مشرف بر مرتبه‌ی کمال... موادرالکلم نام‌کتابی در اخلاق نوشته که حروف منقوطة ندارد و تفسیر کلام الله را نیز بی‌نقط تمام کرده و موسوم به سواطع‌الالهام گرداننده و میرحیدر معمائی، سوره‌ی قل هو الله احد، را تاریخ اتمام آن یافته. دیوان شعرش پانزده هزار بیت است که متداول است و به موجب فرموده‌ی حضرت شاهنشاهی تتبع خمسه نموده و در برابر هر کتاب حکایت چندی گفته، اما به اتمام نرسانیده و نل و دمن را نیز به فرمان حضرت شاهنشاهی نظم نموده..." (همان: ۴۹۲)

در هفت اقلیم پیرامون یکی دیگر از مشاهیر این شهر، به نام وحشی آمده است که شاعری توکل‌پیشه بوده و شعری در حد متوسط داشته و چنین گفته است:

جهان کهنه که ویرانسرای انسانست	درو کسی که اقامت نکرد انسانست
به زال دهر تاهل طریق مردان نیست	کسی که رست ازین پیرزال مرد آنست
نزاع برسراین خاکدان نشاید کرد	که این خرابه سرانجام کار ویرانست
شهی که منت گردون بزرکشید، گداست	گدا که فارغ ازین منت است سلطانست

بزور بازوی همت چو وحشی ارهرکس که دیو نفس مسخر کند سلیمانست

(همان: ۴۹۵)

یکی دیگر از فضیلاتی آگره، سرابی است. وی اگرچه رطب و یابس در هم می‌یافتد، اما بعضی اوقات خیالاتش خالی از تازگی نیست:

در هر قدم این راه اگر چشمه‌ی آبست بر تشنگی خواهش من جمله سرابست

(همان: ۴۹۵)

شاه‌جهان‌نامه در سه جلد نوشته شده است. در جلد اول آن، زیر عنوان بنای روضه‌ی ممتاز، چنین آمده است: "در موقع جلوس پنجم شاه جهانی، بنای این، عمارت اساس یافت. بلندی عمارت در برابر هفت آسمان است. دریای جون یا جمنا به سمت شمال می‌گذرد این عمارت چنان مستحکم و استوار است که در تعمیر آن، سنگ و آهک را آمیختند. روضه‌ی مبارک در بلندی، تکلف و زیبایی بر روی زمین عدیل ندارد. مکمل عمارت از سنگ مرمر تعمیر شده و مانند فرشته، پاکیزه و منزه سر بلند ایستاده است. گنبد پر نور مرقد، در میان عمارت است و از اندرون و بیرون به طور کلی از سنگ مرمر تعمیر شده است تمام مقبره از اندرون و بیرون با مهارت نقاشی شده. این عمارت، نمونه‌ی عالی کارگری و صنعت‌گری مغول است نقش و نگار چین و فرنگ، پیش این عمارت، مانند نقش بر آب هستند. از اندرون و بیرون عمارت، آیات قرآنی را با صفا و نزاکت هنرمندان ماهر، مثبت‌کاری کرده‌اند. اطراف روضه‌ی، منوره دیوارهای سنگی، سراسر با نقش و نگار آراسته‌اند. فواره‌ها هم از آب جمنا نور می‌افشانند در میان باغ یک سکوی بلند است و اطراف آن یک نهر و حوض و آب در آن، مانند چراغ روشن است. دروازه‌ی این عمارت عالی، بلند و از نقش و نگار مزین و آراسته است. در ساخت این عمارت، مدت دوازده سال صرف شد و پنجاه لک روپیه خرج شده" (کنبوه، ۱۹۵۸: ۲۹۴-۲۹۰) درباره‌ی شهرهایی که نزدیک آگره واقع‌اند، چنین نوشته‌اند:

شهر بزرگ بیانیه، نزدیک آگره واقع شده است. در این شهر قلعه‌ای بزرگ و محکم وجود دارد. در روزگاران پیشین، در آن قلعه، اسیران و گنه‌کاران هند را محصور می‌داشتند. نیل و حنا و بعضی از انواع انبه، در این شهر فراوان است. مقام دیگر که نزدیک آگره واقع شده، سیکری است. سیکری دهی است از توابع بیانیه، که دوازده گروه از آگره فاصله دارد. پادشاه اکبر به خواهش و اشاره‌ی زبدۀ‌الاولیا سلیم‌شاه چشتی، یک قلعه‌ی بزرگ و مستحکم، عمارات عالی، مدارس، مساجد و خانقاه در آن بنا کرد و این مقام را به نام فتح پور سیکری موسوم گردانید و برای آن دارالخلافه مقرر کرد و پیوست آن، یک تالاب بزرگ که طول و عرض آن دو گروه بود، برای فیض خلایق ساخت. یک سکوی بزرگ و منار عالی و میدان فیلان و جولانگاه بر کنار آن واقع است و یک کان سنگ سرخ نزدیک آن وجود دارد که از آن سنگ برای ستون‌ها و تختگاه و دیگر مصالح عمارات، به هر اندازه که بخواهند، بر می‌دارند و استفاده می‌کنند. (بهنداری کهتری، ۱۹۱۴: ۳۹)

بیانیه در قدیم شهری بزرگ بوده و قلعه‌ای محکم داشته ولی اکنون جز نامی، ندارد. سیکری از توابع بیانیه به مسافت دوازده گروه از اکبرآباد واقع است. علت نام گذاری آنرا به فتح پور سیکری از سوی اکبر شاه به این دلیل دانسته اند که در اثنای بنای آن، گجرات مفتوح شده بود. در وسط آن، تالابی است بزرگ در عرض و طول دو گروه و سکوی والا و منار عالی و میدان فیلان پادشاهی و میدان چوگان در غایت وسعت، بر کنار آن تالابی واقع است و در نزدیکی آن، معدن سنگ سرخی وجود دارد که در کار عمارت بناها مصرف می‌شود (بلغرامی، ۱۸۷۹: ۱۶۲)

تصویری از زوال پذیری آگره

مرتضی حسین بلغرامی، درباره‌ی شهر مذکور می‌نویسد: بار اول چون او به همراه مبارز-الملک سربلندخان بهادر تونی، در سن ده سالگی برای دیدار این شهر رفته، زمام حکومت به دست محمدشاه پادشاه بود ولی پس از شصت سالگی مولف، در عهد شاه عالم ثانی در ۱۱۹۲ هـ.ق در وقت نظامت امیرالامرا میرزا نجف‌خان، بعد استیصال جاتان وقتی دوباره به

آنجامی رود، می‌بیند که عمارت قلعه رو به خرابی گذاشته جا به جا ریخته و دیگر عمارات شهر هم شکسته و ریخته شده. (بلغرامی، ۱۸۷۹: ۱۶۲) پس از آن مؤلف، حدود و مرزهای شهر را چنین می‌نویسد: "در مشرق صوبه‌ی اکبرآباد از کهائم پور تا پلول در عمل‌داری صوبه‌ی شاه جهان‌آباد، یک صد و هفتاد کروه، و در عرضش از قنوج تا چند پری، مضاف صوب مالوه، صد کروه فاصله دارد. در توابع سر کار اکبرآباد، چندین بلدها مانند الور، نجاره، باڑی، ابرج، کالپی، سانوان، قنوج کول، سیدن پور، گوالیار، و غیره شامل‌اند و تقریباً چارده سر کارها، مشتمل بر دویست و شصت و دو مقام دارد و نود و هشت کرور و هجده لک به و شصت و پنج هزار و هفصد و ام، داخل این صوبه است که کرور و پنجاه لک روپیه کثیری کم باشد و اندر این صوبه دو دریای ناموراند؛ یکی جمن و دویم چنبل و سرچشمه‌ی چنبل از مقام حاصل پور، تابع مالوه، برآمده، در هشت کروه‌ی از اکبرآباد از حدود به‌داور گذشته نزدیک اکبرپور، تابع سرکار کالپی به دریای جمن می‌ریزد." (همان: ۱۶۲)

نتیجه

ساختار شهر آگره/ اکبرآباد در مرکز کشور هندوستان، در طول سال‌های متمادی، تغییرات چشم‌گیری یافته است؛ به طوری که این شهر در زمان سلطه‌ی مغول‌ها، دارای ساختاری ساده بوده و به تدریج به یک مرکز مهم برای تجارت و صنایع تبدیل شده است.

با پیشرفت این شهر، مردم اطراف هند به این شهر و قسمت‌های مرکزی آن مهاجرت نمودند و مرکز این شهر را به یکی از پرجمعیت‌ترین نواحی شهر تبدیل کردند.

بازدید گردشگران از سراسر جهان و رونق گرفتن صنعت گردشگری در این شهر، در اقتصاد آگره نقش بسزایی داشته است. ساخت ممتاز محل (تاج محل) به وسیله‌ی شاه‌جهان به عنوان یکی از عجایب هفت گانه‌ی جدید با معماری ایرانی، شهرتی عالم‌گیر برای این شهر به ارمغان آورده و بر جاذبه‌های توریستی آن افزوده است.

منابع

- ۱- آزاد بلگرامی، غلام علی (۲۰۰۷م) **تذکره‌ی سرور آزاد**، تصحیح و تدوین: دکتر زرینه خان، علیگر هند.
- ۲- آزاد بلگرامی، مولانا (بی تا) **تذکره‌ی ید بیضا نسخه‌ی خطی**، علیگر هند.
- ۳- بلگرامی، مرتضی حسین (۱۸۷۹م) **تذکره‌ی حدیقه الاقالیم**، لکهنو: نون کشور پریس.
- ۴- بهنداری کهتری، سبحان رائی (۱۹۱۴م) **تاریخ خلاصه التواریخ**، دهلی: ظفر حسن.
- ۵- پادشاه جهانگیر (۲۰۰۷م) **تاریخ جهانگیر نامه / تزک جهانگیری**، علیگر: سر سید اکیدمی.
- ۶- صباح الدین عبدالرحمن (۱۹۸۴م) **بزم تیموریه**، جلد ۱ و ۲، چاپ سوم، اعظم گر.
- ۷- رازی، امین احمد (بی تا) **تذکره‌ی هفت اقلیم**، کلکته: کلکته سوسایتی.
- ۸- رضازاده شفق (۱۹۸۵م) **تاریخ ادبیات ایران (اردو)**، ترجمه‌ی مبارزالدین رفعت، دهلی: ندوة المصنفین.
- ۹- کنوه، محمد صالح (۱۹۵۸م) **تاریخ شاه جهان نامه**، ج اول، لاهور: مجلس ترقی ادب.
- ۱۰- گوپامپوری، محمد قدرت اله (۱۹۲۵م) **تذکره‌ی نتایج الافکار**، بمبئی: سلطانی.
- ۱۱- لاهوری، عبدالحمید (۱۸۶۷م) **تاریخ پادشاه نامه**، تصحیح و تدوین کبیر الدین احمد و عبدالرحیم، ج ۱ و ۲، کلکته: کالج پریس.
- ۱۲- مسعود سعد سلمان (بی تا) **دیوان اشعار**، تصحیح رشید یاسمی، تهران.
- ۱۳- ناصری، مولوی مهدی حسین (۱۹۸۹م) **تاریخ صنایع دینا**، اله آباد: کتره.